



عربستان سعودی؛ نفت و امنیت

کشور عربستان با در اختیار داشتن بیش از ۲۱ درصد از کل ذخائر و بیش از ۱۳ درصد از کل تولید نفت خام جهان، بیش از ۱۵ درصد از کل صادرات نفت جهان (نفتی که وارد تجارت جهانی می شود) و بیش از ۳۰ درصد از کل صادرات نفت اوپک، از جایگاه پراهمیت و ویژه ای در انرژی جهان برخوردار است. علاوه بر این اینک عربستان سعودی تنها کشوری است که ظرفیت مازاد تولید قابل توجهی را داراست. با توجه به چنین جایگاه و موقعیتی، بنظر می رسد که رابطه مستقیمی میان مسأله امنیت کشور عربستان و قیمت های جهانی نفت وجود دارد. قیمت های جهانی نفت اینک به نماد بحران جهانی انرژی تبدیل گردیده اند و هر چه این بحران افزایش یابد حساسیت امنیتی کشور عربستان نیز افزایش می یابد.

به راحتی می توان تصور کرد که خصوصاً در شرایط کنونی انرژی جهان، هر نوع تحول سیاسی نظامی در کشور عربستان یا هر تهدیدی علیه این کشور و یا هرگونه وقعه در تولید نفت این کشور، خواه به لحاظ روانی و خواه به لحاظ برهم زدن توازن عرضه و تقاضای جهانی نفت، چه تأثیر عظیمی را بر بازار جهانی نفت بر جای خواهد گذاشت. اهمیت خلیج فارس به عنوان منطقه تولید بخش عظیمی از انرژی مورد نیاز جهان، نیاز به تأکید ندارد، اهمیت امنیت عربستان زمانی بیشتر آشکار می شود که بدانیم که حدود نیمی از نفت صادراتی کل منطقه خاورمیانه تنها مربوط به این کشور است.

با افزایش حساسیت عربستان و توجه روزافزون جهان به تولید نفت و خصوصاً به ظرفیت مازاد تولید آن به عنوان عامل نجات بازار نفت، دولت سعودی باید به فکر تأمین امنیت خود باشد. با آشکار شدن روزافزون این حساسیت، آن هم در شرایطی که جهان تحت نظام سلطه ناعادلانه ایالات متحده آمریکا و هم پیمانان غربی او قرار دارد، برای هر کس که به نوعی سودای مقابله با این سلطه را دارد، بسیار وسوسه انگیز خواهد بود که به فکر ضربه زدن به منافع اقتصادی غرب از طریق در خطر قراردادن تأسیسات نفتی عربستان سعودی بیفتند. علاوه بر این برخی رقبای نفتی عربستان که ممکن است خواستار سهم بازار بیشتر و یا استفاده از قیمت های بالاتر نفت باشند نیز ممکن است چنین سودائی را در سر پیورانند.

البته جایگاه نفت در امنیت ملی عربستان، به مثابه یک تیغ دولبه است که یک لبه آن شناخته شده و روشن است و همان اجبار آمریکا و غرب به صیانت از امنیت این کشور و نادیده گرفتن بسیاری از خلاء های آن مانند توتالیتریسم و فقدان هرگونه نهاد های مردمی و نقش و حضور مردم در ساختار قدرت این کشور است. و به عبارت دیگر یک لبه این تیغ، برنده تهدیدها علیه این کشور است اما لبه دیگر این تیغ به ویژه در شرایطی که مذکور افتاد، می تواند به عنوان یک تهدید علیه عربستان عمل کند که تمرکز ما در این نوشتار عمدتاً به این سوی مسئله است. عربستان سعودی باید رابطه خردمندانه ای را میان میزان تولید نفت خود و مسئله امنیت برقرار نماید.

دولت عربستان برای تأمین امنیت ملی خود نمی تواند تنها به هم پیمان خود یعنی ایالات متحده، اتکاء کند. چرا که اولاً- دولت ایالات متحده عمدتاً می خواهد از طریق فروش هر چه بیشتر سلاح در مقابل چپاول دلارهای نفتی، امنیت عربستان را تأمین کند. در حالی که

مانند مسأله چچن رویاروست نیز کاهش تنش های میان مذاهب اسلامی کارساز خواهد بود.

جهت گیری های نفتی عربستان نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. سعودی ها طی سال های اخیر چه به طور مستقل و چه در قالب اوپک و چه در دیگر جایگاه هایی که در مورد بازار جهانی انرژی و نفت موضع گیری و ایفای نقش می کنند، تلاش زیادی داشته اند تا نشان دهند که شرایط فعلی بازار نفت و افزایش مستمر قیمت ها، ناشی از عرضه و تقاضای نفت نیست بلکه میزان عرضه برای پاسخگویی به تقاضا کفایت دارد و مشکل، ناشی از مسائل دیگری است. این برداشت که افزایش قیمت نفت ناشی از کمبود نفت در بازار است فشارها را بر عربستان افزایش خواهد داد و با توجه به شرایطی که توضیح داده شد تمکین یا عدم تمکین دولت سعودی به این فشارها هر کدام به گونه ای مشکلات امنیتی این کشور را تشدید می کند.

اجلاس اخیر انرژی جده در دوم تیرماه (۲۲ ژوئن) که به دعوت دولت عربستان اما به نوعی در قالب اجلاس جهانی انرژی (IEF) که نشست همکاری میان تولیدکنندگان و مصرف کنندگان انرژی است، تشکیل شد ظاهراً بی نتیجه بود و دستاورد تازه ای برای بازار جهانی نفت و انرژی نداشت، اما در واقع این اجلاس و صرف تشکیل آنرا می توان یک موفقیت برای عربستان تلقی نمود. عربستان موفق شد این مسأله را جابیندازد که مسائل بازار فراتر از آن است که تولیدکنندگان نفت به تنهایی قادر به حل آن باشند و شرکت کنندگان در این اجلاس نیز در واقع این نظر را پذیرفتند.

نشست های همکاری میان تولیدکنندگان و مصرف کنندگان انرژی از سال ۱۹۹۱ که اولین آن به دعوت کشور فرانسه و در شهر پاریس تشکیل شد سابقه دارد و تاکنون یازده مورد آن برگزار گردیده است. این نشست ها که قبلاً فاقد یک دبیرخانه دائمی بود از سال ۱۹۹۶ به صورت منظم تر و دوسال یکبار برگزار شده است و آخرین آن در تاریخ اول تا سوم اردیبهشت ماه سال جاری (۲۰ تا ۲۲ آوریل ۲۰۰۸) در کشور ایتالیا برگزار گردیده است. این نشست ها در سال ۲۰۰۴ میلادی، به دعوت و با سرمایه گذاری دولت سعودی صاحب دبیرخانه دائمی در شهر ریاض این کشور شد و به همایش یا اجلاس جهانی انرژی (International Energy Forum) تغییر نام یافت. شاید زمانی که سعودی ها سرمایه گذاری مذکور را انجام دادند فکر نمی کردند که روزی چنین استفاده ای از آن بنمایند. در هر حال با فرض صحت تحلیل های فوق، دیپلماسی فعلی عربستان منطقی و هوشمندانه به نظر می رسد و این کشور به خوبی توانسته است تعامل مطلوب را میان سه مقوله نفت، امنیت و سیاست خارجی خود برقرار نماید.

مدیر مسئول

سلاح به تنهایی برای تأمین امنیت عربستان کافی نیست. ثانیاً-سیاست خاورمیانه ای آمریکا آمیخته با منافع این کشور و دچار تضادهای گوناگونی است که لزوماً همه آن ها با امنیت عربستان در تناسب نیست. آمریکائی ها از دیرباز همواره تولید هر چه بیشتر نفت و ظرفیت سازی هر چه بیشتر را از عربستان طلب کرده اند تا دستشان برای تجاوز و دست اندازی به هر کشور دیگری در منطقه باز باشد و عربستان بتواند با افزایش تولید خود هر کاهشی در تولید دیگران را جبران نماید. این یک تهدید دوسویه علیه عربستان است و لزوماً با منافع عربستان تلازم ندارد و لذا ممکن است یکی از دلایل خودداری احتمالی عربستان از ظرفیت سازی و تولید بیشتر نیز همین مسأله باشد که البته این امتناع طبعاً نه به شکلی واضح و شفاف، بلکه به شکلی پیچیده تحقق می یابد. چراکه سعودی ها باید روی مرزی حرکت کنند که نه واکنش و حساسیت آمریکا و غرب را برانگیزد و نه مصالح مستقل این کشور را مورد بی توجهی قرار دهد. در حالی که آمریکائی ها در گذشته نه چندان دور خواب های ۲۴ و حتی ۲۸ میلیون بشکه ای برای ظرفیت نهایی تولید نفت عربستان می دیدند، اینک سیاست ملی اعلام شده عربستان بر مبنای منافع ملی این کشور، رساندن ظرفیت تولید نفت به حدود ۱۲/۵ میلیون بشکه در افق سال ۲۰۲۰ میلادی است.

درآمدهای بیش از حد نفتی که روی دیگر سکه تولید سرشار نفت است نیز می تواند حساسیت امنیتی مورد بحث را تشدید نماید و عربستان را در معرض مطامع بیشتری قرار دهد. در حالی که ظرفیت بیشتری برای جذب این دلارها در عربستان وجود ندارد.

شاید بسیاری از تحرکات اخیر در دیپلماسی عربستان را در راستای همین مقوله امنیت بتوان تحلیل نمود. برگزاری اجلاس گفتگوی مذاهب اسلامی که در نیمه خرداد ماه گذشته در مکه مکرمه برگزار شد و دعوت ویژه از آیت الله رفسنجانی و یک هیأت بزرگ همراه در این اجلاس، نمونه ای از چنین تحرکی است. جالب است که اجلاس مذکور توسط «سازمان همیاری جهان اسلام» (رابطه العالم الاسلامی) برگزار شد، همان سازمانی که در گذشته بیشترین نقش را در دامن زدن به تعارض ها در جهان اسلام و خصوصاً تحریک ضدیت علیه شیعه داشته است و شاید القاعده را نیز بتوان به نوعی مولود این سازمان دانست. اما در شرایطی که ذکر شد عربستان نیازمند پائین کشیدن فتیله تعارضات و خصوصاً خشونت های مذهبی است که اینک ممکن است گریبان خود این کشور را بگیرد. همچنین عربستان نیازمند حسن روابط با ایران است تا در صورت تشدید درگیری های میان ایران و آمریکا و کشیده شدن احتمالی خصومت ها به فاز نظامی، خود و تأسیسات نفتی خود را در حاشیه امن قرار دهد. عربستان از چندین پیش حسن روابط با روسیه را نیز در دستور کار خود قرار داده است و بی تردید در روابط با روسیه که با معضلاتی